



# دانش های قرآنی

نگرشی نو به قصاید قرآنی  
نکته های اندیشه ساز قرآنی  
نقش قرآن بر اصفهان  
قرآن از منظر دانشمندان  
اندیشه های ماندگار

# تذکره ام در باب بسم الله و مجموع الکلام

نگرشی کوتاه به قصیده قرآنی (حکیم الهی قمشهای (ره))

شاعر و ادیب معاصر استاد علیرضا لطفی

(بخش دوم)

نگرشی کوتاه به قصیده قرآنی غدیریه عارف عالی مقام

آیه الله سید حسن میرجهانی (ره)

(بخش اول)

قصیده قرآنی حکیم الهی قمشهای

کعبه کسروبیانم، قبله اهل زمینم  
صاد و القرآن ذی الذکرم بشیر مؤمنینم  
کز دو چشم وحدت آئین غیر آن یکتا نبینم  
فصلت را واللّه و لله بود نقش جبینم  
والی نصر من الله فتح ففتح مبینم  
گشت واجب سجده و تسبیح یار نازنینم

کعبه خوبان جهانم، ملجأ روحانیانم  
هم صفا آرای ملک در سوره والضا فانم  
در زُمر نعمت إلا لله دین الخالص آمد  
حا و میم مؤمن و مقصد ز تنزیل کتابم  
ببیرق انسا فتحنا برفراز برق تسیم  
ذاریات عشق و نور طور و النجم که بر من

قصیده قرآنی غدیریه آیه الله میرجهانی

خیز و لبریزم بده جامی از آن مَاء معین  
تا شوم رطب اللسان گویم به لحنی دلنشین

در غدیر خم هویدا گشت سر و یا و سین

خم رنگ آمیزی خود را در این عید آفرید  
تا شقی ممتاز گردد اندر این عید سعید

تشنه در آب حیاتم ساقی عین الیقین  
استقنی کاساً رویاً سائقاً للشاربین

تَبَدَا عید سعیدی گش خداوند مجید  
صبغة الله خود از این خَم ولایت شد پدید

چنانکه مستحضرید در شمارهٔ پیشین فصلنامه با نگاهی گذرا به قصیدهٔ قرآنیه مرحوم حکیم الهی قمشه‌ای<sup>۱</sup> بیان نمودیم این قصیده با لطافت و ظرافت خاصی عناوین سور قرآنی را با الهامی از مناهیم برخی آیات به نعت و مدح حضرت مولی السوحدین علی (علیه السلام) پرداخته است. در گفتار قبل تا سورهٔ یاسین ابیاتی را برگزیدیم و به برخی از مضامین آن پرداختیم. در این گفتار به تکمیل گفتار قبل می‌پردازیم.

### هم صف‌آرای ملک در سوره والصفاتم<sup>۲</sup>

#### صاد و القرآن ذی الذکر بمشیر مؤمنینم

در آیهٔ اول سورهٔ صفات به فرشتگانی که برای تعظیم و حمد و ستایش خداوند، بسیار زیبا صف بسته‌اند سوگند یاد می‌کند، که والصفات صفاً، حکیم الهی قمشه‌ای با استناد به این آیه ناظم و صف‌آرای صف فرشتگان مقرب الهی را امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) معرفی می‌کند و یا به قول نظامیان، فرمانده ارشد میدان است که در مقابل مقام برتر و مدعو (یعنی حضرت حق جل و علا) فرمان‌ایست، خبردار می‌دهد.

### در زمر نعمت الایله دین الخالص آمد<sup>۳</sup>

کز دو چشم وحدت آئین غیر آن یکتا نبینم  
در این بیت اشاره‌ای به سورهٔ زمر و آیه (الایله الذین الخالص و الذین اتخذوا من دونه اولیاء ما تعبدوهم الا لیقربونا) دارد.

شاعر از زبان آن حضرت بیان می‌دارد این آیه نعت و مدح من است که با چشمان بصیر و حق‌بین و توحیدی خود کسی را جز ذات خداوند یکتا نمی‌بینم. علی مظهر دین ناب و خالص الهی است و به عبارت دیگر مولا علی (علیه السلام) الگوی یک مؤمن به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است و وحدانیت در چشمان مبارکش موج می‌زند.

### حا و میم مؤمن و مقصد ز تنزیل الکتابم<sup>۴</sup>

#### فصلت را و الله و لله بود نقش جبینم

با اشاره به سورهٔ مؤمن که با «حروف مقطعه حم و آیه تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم» آغاز می‌شود.<sup>۵</sup> که در تفاسیر از حروف مقطعه از آن به رمز میان خدا و رسول تفسیر شده است به اعتبار این تفسیر، شاعر حضرت علی (علیه السلام) را رمز سورهٔ مؤمن و ایمان به خدا و رسول می‌داند و نیز از آنجاکه حضرت، خود قرآن ناطق است، مقصد تنزیل الکتاب را علی (علیه السلام) معرفی می‌نماید و در ادامه با اشاره به سورهٔ فصلت و آیهٔ سجده واجبهٔ آن و اثری که از سجده‌های طولانی بر جبین مبارکش نقش بسته به نعت او می‌پردازد و بدیهی است این بخش از آیه ۲۹ سوره فتح نیز مد نظر بوده است که «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود»<sup>۶</sup> الهام گرفته است.

بیرق انا فتحنا بر فرازد برق تیغم<sup>۶</sup>

والی نصر من الله فاتح فتح مبینم<sup>۸</sup>

در این بیت با استناد به دو آیه از دو سوره به توصیف آن حضرت همت گماشته است.

آیه اول سوره مبارکه فتح (انا فتحنا لک فتحا مبینا) و دیگری سوره صف (نصر من الله و فتح قریب).

آنچه مسلم و بدیهی است ذوالنقار امیرالمؤمنین در پیروزی مسلمین در صدر اسلام و در دوام و بقای اسلام نیز پس از رحلت نبی مکرم (ﷺ) نقش بسزایی داشته است.

و در واقع به برکت تیغ بُرّان علی (علیه السلام) به فتح و نصرت رسید.

در مصرع اول بین کلمات بیرق و برق جناس وجود دارد.

ذاریات عشق و نور طور و والنجم که بر من<sup>۹</sup>

گشت واجب سجده و تسبیح یار نازنینم علوم انسانی و مطبوعاتی

در مجادل آن حرب الله هم من مفلحینم

نام سوره های ذاریات و طور و نجم در بیت فوق با جلوه ای خاص به هم مرتبط گردیده و توصیفی برای حضرتش گردیده اند. در اصطلاح و امثال مردم برخی از واژه ها و آیات مشاهده می شود.

از جمله شنیده ایسم در محلی که، از هم گسیختگی و بی نظمی یا شور و غلغله ای از جمعیت باشد، در توصیف آن زمان یا مکان می گویند و الذاریات بود که

اشاره به آیه اول این سوره دارد که «والذیارت ذروا». سوگند به پاشندگان پاشیدنی و در این بیت از همین اصطلاح بهره ای وافر برده است و شور و غلغله عشق را به حضرتش منتسب نموده است.

در کوه طور تجلی نور رب، حضرت موسی (علیه السلام) را به صعق و بیهوشی کشانید با اینکه در این سوره اشاره به نور نشده است با سابقه ذهنی از کوه طور و سوگندی که حضرت حق یاد می کند و با قرینه قافیه ای و تسجیع نور و طور ذهن خواننده را به داستان تجلی نور خدا در کوه طور معطوف می دارد و به دنبال آن از سوره نجم که دارای آیه سجده واجبه می باشد با عنایت به همان آیه با اینکه خود را ستاره ای درخشان در آسمان هدایت بشر می داند اما بر خود سجده کردن به درگاه حضرت حق را واجب می داند.

با نگاهی ظاهری به معنی سوره حدید از آیات اول تا ششم در خواهیم یافت چرا شاعر توصیف و نعت امیرالمؤمنین را از آیه اول تا ششم بیان می دارد. این آیات به اوصاف خداوند جل و علا است و پیوستگی و انطباق اوصاف علی (علیه السلام) با حضرت حق بر اساس (علی مع الحق و الحق مع علی) این توصیف را به حضرتش منتسب می سازد، اما

آیات بعدی آن، امر به آوردن ایمان می‌کند و چون علی (علیه السلام) اولین ایمان آورنده به اسلام است آیه هفتم نمی‌تواند در شأن حضرتش بیان گردیده باشد، به همین دلیل او اشاره دارد تا ذات الصدور نعت اوست. در سوره مجادله نیز اشاره به آیه ۲۲ دارد که در پایان آن می‌فرماید:

«إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱۱</sup> و رستگاری را با کسی می‌داند که با علی (علیه السلام) همگام و در خط او باشد.

**در صغیر نور مَتم، در جمعه قدوس عزیزم<sup>۱۲</sup>**

**در اذ جاء المنافق عزّ حق بر مؤمنینم**

در سوره مبارکه صف به آیه (پریدون لیطفوا نور الله بافواهم والله مَتم نوره) اشاره دارد و علی (علیه السلام) را نور تکمیل شده و تمامیت نور خدا می‌داند و مسلم است که نور با خفاشان شب پرست منافقات دارد (ولو کره المشرکون) و به همین علت بود که بیشترین تبلیغات و شایعات را علیه حضرتش روا می‌داشتند.

و در سوره جمعه نیز به آیه اول اشاره دارد قدسی بودن و عزیز بودن خدا را به مولا علی (علیه السلام) منتسب می‌نماید. در مصراع دوم با توجه به اینکه سوره‌های قرآنی را با آیات اول آن نامگذاری می‌نموده‌اند بیان می‌دارد. در سوره «اذ جاءک المنافقون» آیه ۸... «و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنین اشاره می‌کند و

از زبان او می‌گوید آن عزّتی که خداوند به مؤمنین عطا می‌کند من هستم.<sup>۱۳</sup>

**منجی نوحم به بحر عشق و کشتی نجاتم<sup>۱۴</sup>**

**جن پذیرد دعوتم شیطان گریزد از طنبنیم**

اشاره به داستان حضرت نوح (علیه السلام) دارد که در آن آزمایش الهی مأمور به ساختن کشتی شد.

حکیم الهی قمشه‌ای از این ماجرا گریزی به طوفان و دریای مشکلات معنوی می‌زند و می‌گوید کسی که در دریای عشق نجات دهنده حضرت نوح (علیه السلام) بود، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود و اشاره‌ای نیز به حدیث نبوی دارد که فرمودند (مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح ...) <sup>۱۵</sup> و می‌بینیم اینجا حتی نوح نیز نیازمند سفینه محبت علی (علیه السلام) است. در مصراع دوم نیز با اشاره به مضامین سوره جن خود را مأمور ابلاغ دین به جنیان معرفی می‌کند و نیز خود را شهاب سنگ‌هایی توصیف می‌کند که از استراق سمع شیاطین در آسمانها جلوگیری می‌کنند که اشاره صریح به آیات ۸ و ۹ (و انا لمننا السماء فوجدناها ملئت حرساً شدیداً و شهباً ... و یجد له شهاباً رصداً). <sup>۱۶</sup> این دو گفتار بخشی از فضائل و مناقب مولی‌الموحدين علی (علیه السلام) بود که در مضامین بلند این قصیده آمده بود.

○ عارف فرزانه و وارسته معاصر مرحوم آیه‌الله حاج سید حسن میرجهانی که ارادتش به حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین یعسوب‌الدین علی (علیه‌السلام) شهره عالمان و فضیله‌های معاصر بوده است.<sup>۱۷</sup> نیز چون حکیم الهی قمشه‌ای در مدح حضرتش از آیات قرآن بهره‌ای وافر برده است در ادامه این مقال به برخی ابیات غدیریه مسمط او شاهی بر این ادعای خود می‌آوریم.

تشنه در آب حیاتم ساقی عین‌الیقین

خیز و لبریزم بده جامی از آن ماء معین<sup>۱۸</sup>

آتنی کاساً رویاً سائقاً للشَّارِبِینِ

تا شوم رطب‌اللسان گویم به لحنی دلنشین<sup>۱۹</sup>

### در غدیر خم هویدا گشت سز یا وسین

با نگاهی اجمالی به ابیات فوق نقش الهام از آیات الهی در مدح و توصیف واقعه غدیر به وضوح مشاهده می‌شود در مصراع اول عین‌الیقین یادآور تداعی کننده آیه ۷ سوره تکوین است.

«ثم لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» و در مصراع دوم ماء معین برگرفته از آیه ۳۰ سوره تبارک است.

«قُلْ اِنَّ يَتِمُّ اَنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ».

در مصراع سوم نیز با الهام از فراز آخر دعای ندبه «و اسقنا مِنْ حَوْضِ جَدَّةِ صَلَی اللّٰه عَلَیْهِ وَاٰلِهِ بِكَاسِهِ وِیَبِّدِهِ رَبِّاً رَّوِیّاً هَنِیئاً

سائِغاً لَا ظَمّاً بَعْدَهُ». <sup>۲۰</sup> می‌گوید برایم جامی از حوض کوثر بیاور تا از آن شراب گوارا بنوشم و سیراب شوم و از شیرینی آن شراب و آب حیات تو شیرین زبان‌گردم و با لحنی دلنشین بانگ برآورم و بگویم که در غدیر خم پرده از راز «آیه یس» برداشته شد و بدین ترتیب سر حروف مقطعه «سوره یس» را در ولایت مولی‌امیرالمؤمنین بیان می‌دارد.

حَبَّذَا عَیْدِ سَعِیْدِی كَشِّ خَدَاوَنْدِ مَجِیْدِ

خَم رَنْگِ آمِیْزِی خُود رَا دَرِ اَیْنِ عَیْدِ اَفْرِیْدِ

صَبْغَةُ اللّٰهِ خُودِ اَزِ اَیْنِ حُمِّ وِلَایْتِ شَدِّ پَدِیْدِ

تَا شَقِی مَمْتَازِ كَرْدَدِ اَنْدَرِ اَیْنِ عَیْدِ سَعِیْدِ

### سوره یس ذالک الیوم هدی للمتقین<sup>۲۱</sup>

در این بند مسمط با جناس تام «خم و خم» که یکی مقصود غدیر خم و دیگری خمره رنگ‌آمیزی است با گرامیداشت این عید سعید خم رنگ‌آمیزی خداوندی را برای صبغة‌الهی با اشاره به آیه «صبغة الله و من احسن من الله صبغه» خم غدیر می‌داند یعنی هرکس در این خم غدیر رنگ ولایی و صبغة‌الهی گرفت سعید است و هرکس از رنگ‌الهی و ولایی گرفتن اعراض نماید شقی است و بر این اساس خم غدیر تمیز دهنده و جداکننده سعید از شقی است و به عبارتی دیگر می‌خواهد بگوید عید سعید غدیر برای کسی سعید است که در این خم رنگ ولایتی به خود گیرد.

و با قاطعیت تمام از این تعبیر خود با استناد و الهام از آیه ۲ سوره بقره «لا ریب فیہ ہدیٰ للمتتین» دفاع می‌کند. هیچ شکی نیست که این روز هدایت‌گر متقین است و صفت بزرگ قرآنی هدیٰ للمتتین را منسوب به این روز بزرگ می‌داند.

کرد جابر عرشه منبر شه عرش آستان<sup>۲۲</sup>

تا به امر حق شود بر قطب امکان ترجمان

سیر الزحمن علی العرش استوی آور عیان<sup>۲۳</sup>

رمز کنت کنز شدی بی پرده پیدا در جهان

### بزرگ مصباح ولایت تافتاز مشکوٰۃ دین<sup>۲۴</sup>

در این بند نیز از دو آیه و یک حدیث سخن به میان آورده و با ترکیباتی جدید و بدیع به مدح نبی مکرم اسلام پرداخته است. از جمله شه عرش آستان (پادشاهی که آستان دربار او عرش است) و یا خسرو گردون سریر: (خسرو پادشاهی است که تحت سلطنت او چرخ گردون است).

پادشاهی که آستان دربار او عرش بود بر عرشه منبرهای فراز آمده از جهاز شتران جای گرفت تا به امر حق تعالی ترجمانی بر قطب امکان گردد.

سرپرداختن خداوند به عرش که در سوره طه آیه ۵ به آن اشاره نموده است «الرحمن علی العرش استوی» در بالای منبر غدیر خم آشکار گردید و علت اینکه پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند (كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا ...) به صراحت آشکار گردید و نور چراغ ولایت از چراغدان دین تابیدن گرفت که مصرع آخر اشاره‌ای صریح به آیه ۳۵ سوره نور دارد که (اللَّهُ نور السموات والارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح).

چون الست<sup>۲۵</sup> حق به ميثاق آن رسول حق پرست<sup>۲۶</sup>

در غدیر خم الستی زد به هر بالا و پست

باب توحید از علی بگشود و باب شرک بست

لشکر ظلمت را زان کوبک درّی شکست<sup>۲۷</sup>

### ما محمد خصم بد اختر زان رخ مهر آفرین

در بند فوق در این مسمط با استفاده از کلمه الست در دو سوره دو ماجرای مهم قرآنی را به هم پیوند می‌زند یکی اشاره به آیه ۱۷۲ سوره اعراف دارد که «و اذا أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذرّبتهم و اشهدهم علی انفسهم اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالوا بلی شهدنا ان تقولوا سوم القيامة ...»

کتابخانه مرکزی و تخصصی علوم اسلامی

که پیمان گرفتن خداوند از آدم در عالم ذر است که آدم شهادت به ربوبیت حضرت حق داد. و دیگری اشاره به آیه ۶ سوره احزاب، «النَّبِيُّ اُولٰٓئِی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ...» دارد که در خطبه غدیریه نبی مکرم آمده است «الست اولى بالمؤمنین من انفسهم». غدیر خم یادآور پیمان الهی از آدم است که پیامبر نیز به هر بلندمرتبه و یا فرومایه، بالانشین یا خاک نشین مسلط است «اولی بالمؤمنین من انفسهم...» را سر داد تا از آنان پیمان بگیرد و باب توصیه را با ولایت علی (علیه السلام) گشود و باب شرک و کفر را با ولایت او بست.

و باز با اشاره به آیه ۳۵ سوره نور «کوکب درّی» را به مولا امیرالمؤمنین منتسب می نماید. در چند بند بعد از این بند باز اشاره به همین مطالب فوق می نماید.

آنکه را اولی بنفسم من، علی اولی به اوست  
یعنی آنکو را منم مولا، علی مولای اوست  
عدل قرآن مرتضی گردید و قرآن عدل اوست  
اوست میزانی کز او گردد جدا دشمن ز دوست

### عروة الوثقی ایمان پیشوای متقین

حضرت عسلی (علیه السلام) را برابری قرآن برمی شمرد. ۲۸ سخنان او میزانی برای شناخت حق از باطل است، چنانکه قرآن نیز راهنمای مؤمنین و فرقان حق از باطل معرفی

گردیده است ورشته محکم ایمان ولایت و محبت اوست و اشاره به آیه ۲۵۶ سوره بقره «... فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها...» دارد.

و نیز در بندی دیگر از این مسمط به مقایسه حضرتش با مخالفین و ماجراهای بعد از غدیر او می پردازد.

هل اتی یا سیدی فی حق غیرک هل اتی

یا که زد جبریل بر غیرت صلاى لا فتی

جبت و طاغوت از چه رو بعد اللتیا و اللتی

نقض عهد خویش کرده از جفا یا ویلنا

### حبل کین افکنده اندر گردن حبل المتین

با جناس تام از «هل اتی» که یکی مقصود همان معنای ظاهری آن یعنی «آیا گذشت» است و دیگری نام دیگر سوره «دهر» و از صنعت شعری ملامع نیز بهره جسته است، آیا گذشت ای مولای من در حق دیگران غیر از تو آنچه در توصیف تو در سوره هل اتی آمده است یا بر چه کسی غیر از تو جبرئیل امین صلاى «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» سر داد. چنانکه مشاهده می کنید صنعت های تلمیح به سوره «هل اتی» و داستان «لافتی الا علی...» دیده می شود.

در مصرع سوم نیز اشاره به آیه ۵۱ سوره

نساء دارد. ۲۹

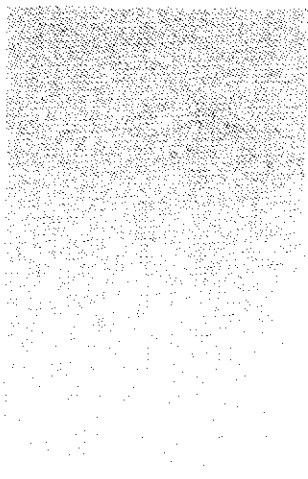


و با تلمیح و اشاره به ماجرای عهدشکنی  
 اهل ستیفه که از روی کین و عداوت طناب  
 دشمنی بر گردن آن ریسمان محکم الهی  
 همان «عروة الوثقی» انداختند و آنها نص  
 صریح جبت و طاغوت در قرآن به شمار  
 می آیند.

والسّلام

### مصادر مقاله

- (۱) حکیم الهی قمتهای
- (۲) سوره صفات آیه ۱
- (۳) سوره زمر آیه ۳
- (۴) سوره مؤمن آیات ۱ و ۲
- (۵) سوره فصلت و آیه سجده واجبه
- (۶) سوره فتح آیه ۲۹
- (۷) سوره فتح آیه ۱
- (۸) سوره صف آیه ۶۱
- (۹) سوره ذاریات از سوره های مکی و آخر جزء ۲۶ و ابتدای جزء ۲۷ است.
- (۱۰) سوره حدید اشاره به آیات اول تا ششم).
- (۱۱) سوره مجادله آیه ۲۲
- (۱۲) سوره های مبارکه صف آیه ۸ و جمعه آیات اول
- (۱۳) سوره منافقون آیه ۸
- (۱۴) علی (علیه السلام) سفینه نجات است
- (۱۵) حدیث نبوی
- (۱۶) سوره جن آیات ۸ و ۹
- (۱۷) قصیده قرآن (غدیر ۳)
- (۱۸) سوره تکوین آیه ۷
- (۱۹) سوره تبارک آیه ۳۰
- (۲۰) دعای ندبه فراز آخر
- (۲۱) سوره بقره آیه ۲
- (۲۲) حدیث نبوی
- (۲۳) سوره طه آیه ۵
- (۲۴) سوره نور آیه ۳۵
- (۲۵) سوره اعراف آیه ۱۷۲
- (۲۶) خطبه غدیره نبی مکرم اسلام



پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

